

گزارش منوچهر جوان جم از تیشتر باران ساز در متن فارسی میانه د/دستان دینی

محمود جعفری دهقی *

چکیده

باران در اساطیر ایران پدیده‌ای اهورایی است. پیدایی این اسطوره به واسطه ویژگی‌های آب و هوایی فلات ایران امری منطقی است. اسطوره باران‌سازی «تیشتر» در *اوستا* و غالب متون فارسی میانه آمده است اما هیچ یک از این منابع اشاره‌ای به *دادستان* دینی نکرده‌اند. در این مقاله، گزارش منوچهر جوان جم، مؤلف *دادستان* دینی، درباره اسطوره باران و نقش «تیشتر» در ایجاد این پدیده بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: اسطوره، باران، ابر، تیشتر، اپوش.

مقدمه

اهورا مزدا این سرزمین را از (دیو) خشکسالی و دروغ‌پیایاد (داریوش، کتیبه تخت جمشید)

یکی از ویژگی‌های سرزمین ایران تنوع آب و هوا و جغرافیای طبیعی آن است. بخش چشمگیری از مرکز فلات ایران را کویرهای خشک و بی آب فراگرفته‌اند. این ناحیه، که از بی‌حاصل‌ترین و بایرترین کویرهای جهان است، شامل دو بخش، یکی دشت کویر در شمال و دیگری دشت لوت در جنوب است. این پدیده سبب شده تا این سرزمین همواره در معرض تهدید خشکسالی باشد. در چنین شرایطی، پیدایی اسطوره‌های مربوط به باران امری منطقی به نظر می‌رسد. چنان که در میانرودان نیز خویشکاری «ایشکور (ادد)»، اینزد طوفان، آوردن باران برای مناطق زیر کشت بوده است (بلک و گرین ۱۳۸۳: ۱۸۳) و همین خویشکاری را ایندره ودایی در زمینه ایجاد آب و باران دارد. (بهار ۱۳۷۵: ۴۷۱، ۴۸۷)

* دانشیار دانشگاه تهران mdehaghi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۸۹/۴/۴

باران در اساطیر ایران پدیده‌ای اهورایی و آفریننده آن اهورامزدا است. اما این آفرینش به سادگی صورت نمی‌پذیرد. چنان که در *گزیده های زادسپرم آمده*، آفریدن ابر، که باران می‌بارد، یکی از دشوارترین کارهای آفرینش بود. (فصل ۳۴، بند ۲۰) باری، آفریدگار یکی از فرشتگان خود را به نام تیشتر مأمور باران‌سازی می‌کند. اما در مقابل این فرشته، دیو خشکسالی قرار دارد. خشکسالی در جهان‌بینی ایرانیان باستان پدیده‌ای اهریمنی به شمار می‌رود. اهریمن برای ایجاد خشکسالی و مقابله با تیشتر دیوی به نام اپوش می‌آفریند. بدین ترتیب، تیشتر در قالب اسبی زیبا و اپوش در پیکر اسبی زشت و کل (= گر) به جدال برمی‌خیزند. نخستین برای باران‌سازی، و دومین برای نابودی و خشکانیدن باران. به جرئت می‌توان ادعا کرد که این اسطوره یکی از جذاب‌ترین اساطیر جهان در باره باران‌سازی است. داستان باران‌سازی تیشتر در *اوستا* و غالب متون فارسی میانه آمده است و پیش از این، در منابع بسیار از آن یاد شده است.^۱ اما هیچ یک از این منابع اشاره‌ای به *دداستان دینی* نکرده‌اند. هدف از نگارش این مقاله، بررسی گزارش منوچهر جوان جم، مؤلف *دداستان دینی* از اسطوره باران و نقش تیشتر در ایجاد این پدیده است.

تیشتر در اوستا

اسطوره باران‌کرداری ایزد تیشتر از کهن‌ترین اسطوره‌ها است. خلاصه گزارش یشت هشتم *اوستا* از اسطوره باران‌سازی تیشتر چنین است:

تیشتر ستاره‌ای آب چهار است ... که نژاد از ایام نیات دارد. (کرده ۲، بند ۴) به یاری او چشمه‌های آب، نیرومندتر از اسب بتازند. (کرده ۳، بند ۵) وی به پیکر اسبی به سوی دریای فراخکرت نیرومند ... می‌آید و آب‌ها را متلاطم می‌کند: (کرده ۵، بند ۸) آنگاه سدویس این آب‌ها را به هفت کشور رساند. (کرده ۵، بند ۹) تیشتر ده شب نخستین را به پیکر مرد پانزده ساله ... پرواز کند. (کرده ۶، بند ۱۳) ده شب دوم را، در روشنی‌ها پروازکنان، به پیکر گاو نر زرین شاخی درآید. (کرده ۶، بند ۱۶) و ده شب سوم را [نیز] پروازکنان، تن به پیکر اسب سپید زیبای زرین گوش و زرین لگامی درآورد (کرده ۶، بند ۱۸)، و به دریای فراخکرت فرود آید. (کرده ۶، بند ۲۰) آنگاه، دیواپوش به پیکر اسب سیاهی به پذیره او دوارد (= هجوم برد)، اسبی کل با گوش‌ها، گردن (و) دم کل، داغ خورده (و) ترسناک: (کرده ۶، بند ۲۱) هردو سه شبانروز با هم بجنگند. آنگاه دیو اپوش بر تیشتر رایومند فرهمند چیره شود و او را شکست دهد. (کرده ۶، بند ۲۲) [سپس تیشتر گوید:] به راستی اگر مردم مرا با یسنای نامبردار بستایند، من نیروی ده اسب، نیروی ده کوه

و نیروی ده آب ناو رو خواهم گرفت: (کرده ۶، بند ۲۴) [آنگاه اهورا مزدا گوید: من، تیشتر رایومند را با یسنای نامبردار می ستایم و به او نیروی ده اسب، نیروی ده شتر، نیروی ده گاو، نیروی ده کوه و نیروی ده آب ناو رو می بخشم: (کرده ۶، بند ۲۵) آنگاه، تیشتر رایومند ... به دریای فراخکرت فرود آید. آن دو با یکدیگر بجنگند و در هنگام ظهر تیشتر رایومند بر اپوش دیو پیروز شود و او را شکست دهد. (کرده ۶، بند ۲۶-۲۸)^۲

تیشتر در متون پهلوی

از اسطوره باران سازی تیشتر در غالب متون پهلوی نیز یاد شده است. دینکرد سوم به علت یا چرایی ریزش باران و همکاران تیشتر در باران سازی اشاره دارد. اما خاستگاه همه این متون اوستا است که سرچشمه اصلی این اسطوره بوده است. بنابراین، پس از این روزگار نیز، با وجود دگرگونی های پدید آمده در این اسطوره، هسته اصلی آن از میان نرفت. به همین سبب نویسندگان دینکرد^۳ و دیگر متون پهلوی هریک با شیوه خاص خود به تشریح اسطوره باران پرداخته اند و، در عین حال، کالبد اصلی اسطوره را حفظ کرده اند. بنابر گزارش این متون، چرایی یا علت غایی باران نیاز جهان به تازگی و طراوت است. این طراوت دردها را می زداید و به رویش گیاهان یاری می رساند. سرورکار گزاران هرمزد در باران سازی تیشتر است. دیگر یاوران وی ستاره سدویس، بهمن، اردویسور، باد، هوم، دین، برز ایزد و فروهر پارسایان اند. تیشتر آب را از دریای وروکش یا فراخکرت برمی دارد و با ابزار باد به ابرپایه می برد تا در آنجا ابرها را بارور سازد و باران بباراند. اما، در برابر باران کرداران، نابود کنندگان باران، اپوش دیو و دیوان و دروجان همراه او، قرار دارند. در اثر جدال این پتیارگان، به سرکردگی اپوش با تیشتر و یاران اهورایی او، ممکن است موقتاً تیشتر شکست یابد و در نتیجه خشکسالی زمین را فراگیرد. اما چنانچه پارسایان به ستایش تیشتر بپردازند، در این صورت وی پیروز می شود و ابرها بارور می شوند و سرانجام باران به تساوی به همه زمین خواهد بارید. بدین ترتیب، می توان گفت که دینکرد سوم با شیوه ای فلسفی و منطقی به چگونگی ایجاد باران می پردازد و، در این زمینه، لحنی متفاوت با دیگر متون دارد؛^۴ (همانجا) در حالی که شیوه بیان منوچهر در *دادستان* دینی اجتماعی است.

متون دیگر فارسی میانه نیز به اسطوره باران سازی پرداخته اند. بندهشن، که بیشتر به آفرینش هستی های مینوی و مادی پرداخته، نیز همین اسطوره را با اندک تفاوتی در جزئیات شرح می دهد و حتی آگاهی های تازه ای نیز به آن می افزاید. بنابر گزارش بندهشن، افزون بر

تیشتر، آتش وازشت نیز به باران سازی می پردازد. اهریمن اسپنجروش دیو را برای مقابله با او خلق کرد. رعد و برقی که در آسمان پیدا می شود بر اثر جدال و ستیز تیشتر و آتش وازشت با اپوش و اسپنجروش است. هنگامی که تیشتر به برداشتن آب از دریای فراخکرد می پردازد، خر سه پا از سر یاری آب دریا را می آشوبد و آن را به اطراف می پراکند تا، سرانجام، تیشتر به یاری او و فروهر پارسایان آب از این دریا برگیرد و به ابر پایه ببرد. (بهار ۱۳۶۹: ۹۵) روایت پهلوی نیز یاری خر سه پا را تأیید می کند. (میرفخرایی ۱۳۶۷: ۴۶؛

(Williams 1998: II, 190)

نکته قابل یادآوری این که، بنا به گفته دینکرد ششم، (C82)، اگر میزد و گاهنبار و یاری به درویشان کاهش یابد، ... بد بارانی خواهد بود (shaked 1979: 172) همچنین، بنابر زند و همن یسن (فصل ۴، بند ۴۲)، « ممکن است به واسطه گناهکاری مردم، باران خرفستر از آسمان بیارد. این واقعه و به هنگام نباریدن باران ممکن است خود نشانه پایان جهان باشد (راشد محصل ۱۳۷۰: ۷؛ ۱۳۷: 138 cereti 1995: 138) اما زادسپرم، افزون بر نقل کامل اسطوره باران سازی تیشتر، اشاره می کند که به هنگام رستاخیز باران خرفستر کش خواهد بارید. (Gygnouxztafazzoli 1993: 126; ۶۲: ۱۳۶۶)

تیشتر در دادستان دینی

پرسش نود و دوم از بخش دوم کتاب *دادستان دینی ۵*، به موضوع باران سازی تیشتر و همکاران او اختصاص دارد. در این پژوهش، برای آوانویسی و ترجمه این بخش، متن انتقادی پایان نامه انکلساریا (1958)، که در سال ۱۹۵۸ به دانشگاه لندن ارائه داده، متن اصلی در نظر گرفته شده و ضمناً با دیگر دست نوشته هایی که وی به آنها دسترسی نداشته مقایسه شده است.

در اینجا لازم است یادآوری شود که، در این فصل، پرسشگران از اسطوره تیشتر آگاه بوده اند که در همان آغاز می پرسند «تیشتر آب از کجا می ستاند و چگونه به ابر می دهد...». و منوچهر در پاسخ اظهار می دارد که آب برداشتن تیشتر به شیوه ای مینوی است که نمود ظاهری آن به صورت گرفتن آب از دریای ارنگ یا فراخکرت است. به نظر می رسد که پاسخ منوچهر به این پرسش، از سویی، با متن *اوستا* و، از سوی دیگر، با باورهای زمانه سازگار است. وی بر آن است که برداشتن آب و بردن آن به سوی ابرها از طریق بخار آب یا همان نم آب است که به کمک باد انجام می شود.

(92.1) 92-om pursišn ud pāsox ān ī pursīd kū Tištar āb az kadām gyāg stānēd ud ciyōn abar abr dahēd, ud abr ciyōn be rawēnēd (DF: SGYTWN-yt)ud ciyōn wārēnēd pad gēhān. Kōxšišn (DF: KRA dhšn') abāg dēwān ciyōn kunēd ud abāg kadām dēw kunēd. ēn ī ka tagarg ud wafr hamē āyēd ciyōn abāg <ō> tagarg ud wafr hamē bawēd ud kē abāz ō tagarg ud wafr kunēd? (92.2) pāsox ēd kū dastwarān ēdōn guft estēd kū Tištar be (K35: omits BRA) gyāg-ē [ī] Arang (K35: 'lwnk; K. w'lnk') xwānīhēd kū andar ān zrēh abdom gyāg ī pālāyīšn ast, nē ēwēn (Thus K., other mss: 'dwyn' Y 'n) ī stānēnišn ud wārēnišn az abārīg harw gyāg, āb (K35: omits'p) stānēd. (92.3) u-š sān ī āb (K. omits 'p) stānišnīh mēnōg-kārīh pad-iz (DF. omits -c)gētīg-kārīh abērtar dō ēwēnag: ēk ān ī nam ī pad ān būm andarwāy pad-iš bārīgīhā ud dūd-mānāgīhā ud māzanīg-kirbīhā ul hanjīhēd (Df. 'wcyt') az rōdān [ī] *xwābar (All mss: hwpl), ēk ān ī pad nērōg ī hu-dāhag wād ud damišn ī wuzurg xar ud zōr ī candišnīh [ī] mēnōgān (Thus K., other mss: mynwšn') az wuzurg zrēh purr-ōz-wayīhā (?) ō abardar damēd padīš abrān (DF: QDM 'n) damēd. (92.4) pas andar ān abr pad wuzurg zōr ī tagīg wād, ō kū abāyīšn tazēd az (T60: omits) kū an-abāyīšn wardēnēd tā ka ō abāyīšn wāzēnēd, (92.5) ka abāyīšn wārēnēd ud abāyīšn handāzagīhā (K35: 'n'pd'ckyh') sūd-abgārīh abar gyāgān ud rōstāgān baxšēd. pad daryāb-kārīh wārēnēd, padīš nōg āb-iz nōg tazišn ud nōg bēšazišnīh ō urwarān nōg waxšišn ud nōg zargōnīh ō zamīgān nōg yōjdahrīh (T60: dwšs'lyh) ō gōspandān nōg zāyīšn ud nōg hu-pēmīhā (DF: pymyh') ō abārīg dāmān nōg bām ud nōg hu-gōnīh dahēd. (92.6) padēxīh ī gēhān ud sūd ud frayādišn ī weh dahišnān (K35: dhyšn) abzāyēnēd, jud az wuzurg *rāz (DF: w't; K35: 'p') ī dastkārīh ī mēnōgān pad ān ī *warz (Text & K35: wlck') -kardīhā ud mēnōg-rāzīhā kār guft kārīhā ayārīhēd (DF: hdyb'lyt') be ō xwarrahōmand (K35 adds: LB' zwl Y wltyn'k w't'), (92.7) Tištar pad āb stānišnīh. wuzurg zōr ī gardēnāgān (T60: kltn'y'k'n') wādān (K35: w't') kē pōyēnd (K35: psynd) gardišnīg (K35: kltšn' mnšnyk') tazišn ud damišn abar stānēd, frāxīhēd (T60: pl'hyt') āb ī yōjdahr abar ān ī (T60: omits 'n Y) ulīg ud

abar (K35: omits QDM) burd andarwāy ō abardar, ciyōn ān ī wēnīhēd kū abāg garānīh ud sangīgīh ī gil pas-iz paydāgīhēd andar dašt, ka pad tazišn(K35: twcšn') ī gardišnīg wād abar ayābēd ud stūn homānāg az xāk dūr barēd andarwāy xwānīhēd wād girdag.

(۹۲. ۱) نود و دومین پرسش و پاسخ: تیشتر آب از کجا می‌ستانند، و چگونه به ابر می‌دهد، و چگونه ابر را می‌راند، و چگونه در جهان می‌باراند، و با دیوان چگونه ستیز کند، و با کدام دیو [ستیز] کند، اینکه اگر تگرگ و برف با هم آید، چگونه تگرگ و برف با هم باشد، و چه کسی تگرگ و برف را باز سازد؟ (۹۲. ۲) پاسخ اینکه دستوران این‌گونه گفته‌اند که تیشتر آب (از) جایی می‌ستانند که ارنگ خوانده می‌شود. آن دریا آخرین جایگاه پالایش است، و (بدین روی) برداشتن و بارانیدن آب از جای دیگر درست نیست. (۹۲. ۳) و شیوه آب برداشتن او کاری مینوی است، و در کار مادی نیز بیشتر دو روش است: یکی آنکه نمی‌که در جو زمین است به باریکی، و به مانند دود، و به پیکری مزنی (= عظیم)، از رودهای نیکو برمی‌خیزد؛ یکی (دیگر) آنکه باد نیکو با نیرو و دمیدن خر بزرگ (= خر سه پا؟) و نیروی حرکت می‌نواند از دریای بزرگ، با نیروی بسیار(?) به سوی بالاتر می‌دمد، و با آن به ابرها می‌دمد، (۹۲. ۴) سپس آنجا که لازم است، باد، با نیروی عظیم و سریع، به آن ابر تازد، و از آنجا که لازم نیست (بتازد) برگردد، تا به هنگام لزوم (ابرها را) به حرکت درآورد. (۹۲. ۵) و به هنگام لزوم، بارانند، و به اندازه لازم بهره مناسب بر جای‌ها و روستاها ببخشد و با فعالیت دریا باران بارانند، و به وسیله آن آب تازه و نیز با بارش تازه، درمان بخشی تازه، و به گیاهان رویش تازه، و شادابی تازه، و به زمین‌ها پاکی، و به گوسپندان زایش تازه و خوب شیری (: شیر فراوان)، و به دیگر آفریدگان روشنی تازه و رنگ‌های زیبا (?) دهد. (۹۲. ۶) (باران) کامیابی جهان و سود و یاری آفریدگان نیکو را بیفزاید. جدا از (آن) راز بزرگ، که دستکار می‌نواند است، با آن ورج کرداری و کار اسرارآمیز مینوی و کار(های) گفته شده، یاری می‌کند به فرهمند (۹۲. ۷) تیشتر در برداشتن آب. (از ارنگ) (آنگاه تیشتر با) نیروی عظیم بادهای گردنده که با گردش، دمش و تازش می‌پویند، (آب را) برمی‌ستاند و آب پاک به بالایی گسترش می‌یابد، و به بالاتر از جو برده می‌شود، چنان که با گرانی و سنگینی گل دیده می‌شود، سپس در دشت نیز پیدا می‌شود، و آنگاه که با تازش باد گردنده به بالا رسد، و جو (آن را) مانند ستونی از خاک دور برد، [در این صورت] گردباد خوانده می‌شود.

بدیهی است که هر یک از عناصر و اجزای طبیعت دارای اصل و مرجع خاصی است و هر چیز میل به رجوع به اصل خویش دارد. اندیشه‌ای که در دوره‌های بعد بر عرفان ایرانی نیز اثر بخشید و بر همین نگرش فلسفی بود که مولانا فرمود:

هرکسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش

آب سرشتی مرطوب دارد و اصل آن دریا است. اما، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، تیشتر با نیروی باد آن را به بالا، یعنی به خلاف مسیر آن، می‌برد تا ابرها را بارور سازد. به نظر می‌رسد که منوچهر از این جهان‌بینی آگاه بوده و به این اندیشه در بند ده اشاره کرده است. افزون بر این، بندهای ۸، ۹ و ۱۰ در پاسخ به این پرسش است که گردباد چیست؟

(92.8) *ciyōn sabuktar* (Emended by Text; K35: *spkwtl*) *ast āb az xāk* (K35: omits MN HPL') *ud zōrīg-tazišntar wād ī andar zrēh az ān ī andar dašt dīd* (DF: AYT'), *ēdōn-iz wēš-paymāntar ud dūr ul-barišntar ān* (Thus T60; Text adds Y) *āb ī* (K35: MN) *zrēhīg az xāk*(K35: L') *ī daštīg*; (92.9) *ciyōn <andar*(K35: adds *dštyk*) *mayānag> pad mayānag tazišn ī wād* (K35: *w'tk*) *ud wād girdag ī mayānag* (T60 & K35: *mdy'n*) *andar frāx dašt frāxēd*; *ud wēš-kōb ud purr[īh]-zōrīh tazišn ī wādān ud wād girdag abēr borz ud wuzurg wēnīhēd ud ašnāgīhēd, ēdōn-iz ašnāg ud dīdārīg andar daryāb-rawišnān.* (92.10) *ān purr ud was rēzišn* (DF: ZK Y *pwl lwbs'n*) *āb ī pad zōr* (Thus DF; Text & All Mss: *zwhl*) *ud* (Thus all; Text: Y) *xwarrah ī mēnōgān yazdān ud ān ī Tištar kār sālārīh ud pad-iz ān ī cihrīg* (K35: *hwcyhlyk*) *āb āhang* (K35: *'hnyk*) *zōr* (All Mss: *zwhl*) *ud pad-iz nērōg ud *gardišnīg* (Emended by Text; All Mss: *wstlšnyk'*) *tazišn ud ulīg tazišn* (K35: *wzš'n*) *ī wādān ul damīhēd ō andarwāy, az-iš wārēd purr wārān ciyōn awēšān kē* (K35: MN) *dīd ud ošmurd was purr gugāy.*

(۸.۹۲) همان‌گونه که آب از خاک سبک‌تر است، و بادی که در دریا است از بادی که در دشت دیده می‌شود در تاختن نیرومندتر است، به همان ترتیب، آب دریا از خاک دشت افزون‌تر و دوربرنده‌تر است. (۹.۹۲) چون باد و گردبادی که به میان دشت فراخ وزد، اندر میان دشت گسترش یابد، کوبنده‌ترین و نیرومند(ترین) بادها و گردباد است که بسیار بلند و بزرگ دیده و شناخته شده است، به همان‌گونه نیز نزد دریا نوردان آشنا و قابل دیدن است.

(۱۰.۹۲) آن آب فراوان و سرشار به وسیله نیروی فره فرشتگان مینوی، و فرماندهی تیشتر، و نیروی حرکت آن آب چهر(ک نیک گوهر)، و نیز با نیروی بادهای پیرامون تازنده و فراز تازنده بر فراز جو دمیده می شود، و از آن باران بسیار بارد، چون آنان که دیده و بررسی کرده اند گواهی(های) بسیار فراوان داده اند.

بدین ترتیب، پس از آنکه تیشتر پیمان‌های آب را به یاری باد به فراز جو می برد و ابرها را به حرکت می آورد، دیو اپوش به پذیره او می آید. منوچهر در بند ۱۱ و ۱۲ ضمن بیان این بخش از اسطوره، به ترجمه و تبیین سرشت اپوش دیو می پردازد. معنای نام او خشکاننده آب است و کام او نیز همان خشکاندن و میراندن آبها است. سه بار جنگیدن او بدین هدف است که یا از باریدن باران جلوگیری کند، یا به آن زیان برساند (= مثلاً آن را تبدیل به سیل کند)، یا اینکه آن را بی حاصل سازد. (= باران را به جایی بیهوده بباراند) در این راستا و در جدال نخست، (بنا بر گزارش اوستا) تیشتر شکست می خورد. اما در دومین جدال، به واسطه دعاها و مراسم ستایشی که مردم برای تیشتر بر پا می کنند، این ستیز به سود تیشتر و به کام مردمان پایان می یابد. (بند ۱۵) چهار بند پایانی از فصل ۹۲ *داستان دینی* به ارزشها و سودمندی باران برای آفرینش و آفریدگان اختصاص دارد. منوچهر همچنین در بندهای پایانی بر این باور است که فرمانروایان نیز باید همانند تیشتر دادگری پیشه کنند.

(92.11) ān dēw ī Tištarīg kōxšēd u-š rāyōmand Tištar padīrag ān owōn abārōn kōxšišnīh dādīhā abāz zanēd dēw ast ī apaōš nām ī wizārīhēd āb-ōš. (92.12) ud pad-iz ān ī abardom ud nīdom āb kōxšēd ud hōšēnīdan kāmag, ān dēw-iz sē bār kōxšēd, fradom (T60 & k35 add: PWN) wārān nē būdan ud duđīgar (T60 & K35: TWB) pad gyāg zyān (T60 & K35: Y zyd'nk'l) waštan, ud sidīgar pad gyāg abēsūd waštan, kōxšēd ciyōn mast asp ō asp. (92.13) u-š spōzēd Tištar az zrēh ud tā rawāgīhēd mādagīg [ud] pāk āb stānišn (T60: YNSBWN-šnyh); [ud] ān ī *hamāg (All mss: h'm) gēhānān sūd ud wārān- kardārīh ud ān ī abarwēzīh ud abar-ōzīh ī Tištar abar dēw az ān ī xwēš (K35: omits NPŠE) meh farroxīh az ān ī-š nērōgēnēd dādār ud ān ī-š ayārēnēnd amahraspandān [ud] ān ī-š yazēnd dēnīgān, [ud] ān ī-š stāyēnd gētīgān; (92.14) abēr sazāgīhā šnāyēnd amahraspandān ud mardōm pad stāyišn [ud] azbāyišn ī ān ī weh mēnōg kē-š az

stāyišn ud paristišn abzāyēd ōz ud zōr ī abar xwēš-kārīh rawāgēnēd kē-š padiš bawēd ān <▷> nēkīh (Thus Text; K35 & T60: dwtkyh; DF: zywndkyh) kē az ān nēkīh kadār-iz-ē(w) nēkīh ō ēn sūdīg xwēš-kārīh. (92.15) ud Tištar pad āb paymānīgīhā stānēd ud rādīhā baxtan xwēš-kārīh, hangōšīdag (Thus Text; T60 & DF: hwdwšyt') ān ī guft frazānag dahibed pad āfrāh ī dānāg dastwar kū ciyōn wād az rōdān ud xānīgān az zrēhān *ōz-wayīg (?) āb āhanjēd, ud Tištar pad xwēš rādīh ud ham gēhān passazag baxšišnīhā pad sūd ī dāmān ud kām ī yazdān baxšēd ud wārēnēd. (92.16) ud pad ān ī cimīg stānēd sazāg *baxšēd (Emended by Text; all Mss: HLKWN-tn'), ud wārēnēd (T60: w'lyt'; DF: w'lynytn') ud āb yōjdahrēnēd ud gōspand ud urwar ud hōšagān (DF: 'nwšk'n') namēnēd (Text: nmynyt') ud ālūdagān *a-bēšēd (All mss: bhšyt') ud tišnagān xwārēnēd (K35: w'lynytn') ud *rōymānān nōg (All Mss: lwym'n 'nwg; see Dd. 36.23.) waxšēnēd ud gēhān padēxēnēd. (92.17) ka-š ān frāx rādīh ud wārān-kardārīh az ān ī pāk bēšaz āb ī-š ēdōn paymānīgīhā ud rāst-bōzišnīhā (DF: bwcyšnykyh') stānēd, ud ka pad ān āb stānišnīh (K35: YNSBWN-šnyh') drayāb rōd ud xānīg ud any šōyišn (DF: šn'yšn') hu-baxšišn(K35: hwwxššn') ud kāhišn-iz kē az rōdīh ud xānīgīh [ud] armēštīh (Emended by Text; all Mss: 'ylstkyh) padiš nē bawēd, ēdōn-iz xwadāyān (Thus K35; other Mss: hwd'yšn') pad dād [ī] paymānīg ud ēwēnīg *wāz (Emended by Text; all Mss: w't') gōn (?) az kišwar āhīd, ud Tištar hāwand dahišnīg pad kišwar ud wehān wārēnēnēd pad was pāyīg abzōn kišwar ud dām purrēnēd.

(۱۱.۹۲) آن دیو که (با) تیشتر ستیزد، و تیشتر رایومند به مقابله او آید، و آن ستیزه (گر) ناروا را آن گونه دادمندانه بزند، دیوی است اپوش نام که به خشک کننده آب گزارده (ترجمه) شده است. (۱۲.۹۲) (اپوش) با بیشترین و کمترین آب بستیزد، و کام او خشک کردن است. آن دیو (= اپوش) سه بار بستیزد: نخست برای بی بارانی، دودیگر، برای زیان رساندن، و سدیگر، برای بی حاصل کردن. (اپوش) همچون اسبی مست با (آن) اسب (=تیشتر) بستیزد (۱۳.۹۲) و تیشتر او را از دریا براند، تا ستاندن آب پاک، و سود همه جهانیان، و باران کرداری را به طور اساسی رواج دهد. اقتدار تیشتر و پیروزی بر دیو

(اپوش) از بسیار خجستگی اوست، و از آن است که دادار او را نیرو دهد، و امشاسپندان او را یاری دهند، و دینداران او را ستایش کنند، و جهانیان او را بستایند، (۱۴.۹۲) و امشاسپندان و مردمان (او را) به شایستگی بسیار بستایند. با ستایش و رشد آن مینوی نیکو که، با ستایش و پرستش، توانایی و نیرویش در (انجام) خویشکاری افزوده می‌شود، و کسی را که دارای آن نیکی باشد، آن نیکی را در او افزایش دهد، (زیرا) نیکی هرکس در این خویشکاری سودمند است. (۱۵.۹۲) و خویشکاری تیشتر آب به اندازه برداشتن و به رادی بخشیدن است. همان‌گونه که فرمانروای فرزانه‌ای به منظور آموزش دستور دانا گفت: چون باد، به نیرو (؟)، آب از رودها و چشمه‌ها و دریاها کشد، تیشتر (نیز) با رادی خویش و با بخشش سزاوارانه آب به همه جهان، به سود آفریدگان و کام یزدان ببخشد و باراند. (۱۶.۹۲) و به واسطه آنکه (آب را) هدفمند برگیرد، (آن را) به سزاواری ببخشد و باراند، و آب را پاکیزه گرداند، و گوسپند و گیاه و خوشه‌ها را طراوت بخشد، و آلودگی‌ها را بی زیان کند، و تشنگان را سیراب کند، و رویدگان را از نو برویاند، و جهان را بگستراند. (۱۷.۹۲) هنگامی که آن رادی گسترده و باران کرداری او از آن آب پاک و شفابخش (باشد)، که این‌گونه (آن را) به اندازه و با کامیابی راستین برگیرد، و آنگاه که آن آب برگرفته از دریا، رود، چشمه و هر شوینده‌ای به خوبی تقسیم شد، و در رودها و چشمه‌ها نیز کاهش و نقصانی نبود، به همان‌گونه نیز فرمانروایان (باید) با داد نسبی و کلام درست، آلودگی از کشور (برگیرند)، به سان تیشتر که به کشور ببخشد و بر نیکان باراند، و افزونی بسیار پایه (= زیاد) به کشور دهد، و آفریدگان را تکامل بخشد.

نتیجه‌گیری

با مقایسه اسطوره تیشتر در *دادستان* دینی با گزارش *اوستایی* آن و نیز دیگر متون فارسی میانه ممکن است بتوان به نتایج زیر دست یافت:

۱. به نظر می‌رسد که اسطوره باران‌سازی تیشتر در *دادستان* دینی، نسبت به گزارش متن *اوستایی* آن، ساختاری منطقی به خود گرفته است. بدیهی است که این ویژگی تمامی اسطوره‌ها است.

۲. منوچهر در *دادستان* دینی سعی می‌کند تا اسطوره باران‌سازی تیشتر را با مسائل اجتماعی زمانه خود (سده سوم هجری) درآمیزد. وی فرمانروایان زمان را در اجرای عدالت به پیروی از شیوه تیشتر دعوت می‌کند.

۳. شیوه پاسخگویی منوچهر در *دادستان دینی* بیانگر باریک بینی و دقت نظر وی و نیز دانش عمیق او در زمینه دین مزدیسنا و اسطوره های ایرانی است.

پی نوشت

۱. بنگرید به *مزدا پور* ۱۳۶۶ و ۱۳۷۸، پانانیو نیز در پژوهش خود درباره تیشتر به اشاره کوتاهی به *دادستان دینی* بسنده کرده است. نک Panaino 1990.II,p.100.
۲. برای ذکر نام تیشتر در بخش های مختلف *اوستا* نک Bartholomae 651.
۳. برای آگاهی بیشتر از گزارش دینکرد سوم از باران کرداری نک Madan 1911: 101. همچنین نک *مزداپور* ۱۳۶۶: ۸۵.
۴. همچنین نک به *مزداپور* ۱۳۷۸: ۳۵۱.
۵. شایان ذکر است بخش دوم *دادستان دینی* را نویسنده مقاله آماده چاپ کرده و به زودی منتشر خواهد شد.
۶. نسخه هایی که در تصحیح این متن از آنها استفاده شده عبارت اند از: متن انتقادی انکلساریا، *(text)*؛ دست نوشته کانگا؛ *(k)* دست نوشته های D7,TD4,K35,DF,T60 چاپ دانشگاه شیراز.

منابع

- بلک، جرمی و گرین، آتونی (۱۳۸۹). *فرهنگنامه خدا/یان، دیوان و نمادهای بین النهرین باستان*، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.
- بهار، مهرداد (گزارنده) (۱۳۶۹). *بندهشن*، تهران: توس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*، ویراسته کتابون *مزداپور*، تهران: آگه.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *گزیده های زادسپرم*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۷۰). *زند بهمن یسن*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مزداپور*، کتابون (۱۳۷۸). *داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید گلشاه و متن های دیگر، بررسی دستنویس م. او/۲۹*، تهران: آگه.
- مزداپور*، کتابون (۱۳۶۶). «تحلیلی بر اسطوره باران کرداری»، *چیستا*، س ۴، ش ۸ و ۹، ص ۸۵۳.
- میرفخرایی مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

Anklesaria, P.K. (1958). "A Critical Edition of the Unedited Portion of the Dādestān-ī Dēnīg", Unpublished Thesis, University of London.

Bartholomae, Chr. (1961). *Altiranisches Worterbuch*, Berlin.

- Cereti, Carlo G. (1995). *The Zand ī Wahman Yasn, A Zoroastrian Apocalypse*, Rome.
- Gignoux, Ph. and Tafazzoli, A., (1993). *Anthologie de Zādspram*, Studia Iranica, Cahier 13, Paris.
- Jaafari- Dehaghi (1998). *Dādestān ī Dēnīg*, (Part I), Studia Iranica, Paris.
- Madan, D. M. (1911). *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*, 2 Vols., Bombay.
- Panaino, Antonio (1990). *Tištrya*, (two parts), Serie Orientale Roma, Rome.
- Shaked, Sh. (1979). *The Wisdom of the Sasanian Sages (Dēnkard VI)*, by: Atur-i Ēmētān, Boulder, Colorado.
- Williams, A. v. (1990). *The Pahlavi Rivāyat Accompanying the Dādestān ī Dēnīg*, (II Parts), Copenhagen.